

حقوق امروز

شماره سوم و چهارم

اردیبهشت و خرداد ۱۳۴۲

سال اول

درباره اصلاح داد گستری

درباره اصلاح داد گستری و طرق آن و مخصوصاً آنچه را آقای وزیر فعلی داد گستری بشکل طرح های ده گانه منتشر ساخته اند، صاحب نظران و اهل فن و و کلاء و قضات شریف داد گستری، بحث و انتقاد فراوان کرده اند و بقرار اطلاع، قضات عالی مقام دیوان عالی کشور نیز نظرات خود را بصورت نوشته واحدی با آقای وزیر داد گستری تسلیم داشته و در مقدمه آن گفته اند که: «اگر ناپسامانیهائی در داد گستری موجود است و قوه قضائی دارای اقتداری که امنیت و عدالت اجتماعی را بحد کمال تأمین نماید و انتظارات مردم را چنانکه باید بر آورد، نیست، این امر ناشی از تأثیر دخالت دو قوه دیگر در امور قوه قضائیه بوده و آقای وزیر داد گستری نیز در اوایل سخنرانی شان (مورخ ۱۶/۱۲/۱۳۴۱ در داد گستری) نظر بالا یا لا اقل بیش و کم مفاد آن را بشکلی بیان داشته و بعد از آنکه بیماری داد گستری را تعلق و طفره تشخیص داده اند عیناً گفته اند که: «..... اگر وقتی، طفره و تعلق در امور داد گستری ظهور کرده و احساس شده که این طفره و تعلق مربوط است بدستگاه قضائی، من صریحاً میگویم که آن موقعی هست که در داد گستری قصد اعمال نفوذ بوده، وزیر یا متنفذی خواسته است بیک قاضی تحمیلی بکند، قاضی نخواسته است تحمیل را تحمل بکند. اینست که کار را با طفره و تعلق گذرانده...» (صفحه نطق آقای وزیر داد گستری)

یقیناً تا زمانیکه این سطور بدست خوانندگان برسد نظرات و انتقادهای بیشمار دیگری هم بوزارت داد گستری رسیده و شاید در جرگه نیز منتشر شده باشد. ولذا اکنون که علت بیماری داد گستری روشن شده است و از طرفی ما در شماره قبل، یکی از طرحهای آقای وزیر داد گستری و کار گزار قضائی را بتفصیل بررسی کردیم، بنظر میرسد که انتقاد تفصیلی و بحث فنی درباره طرحهای ده گانه دیگر نه لزومی دارد و نه موقعیتی و بهتر آنستکه ضمن نقل رؤس مطالب قسمتی از نظرات آقای وزیر داد گستری و طرحهای ده گانه ایشان و پاره ای از استدلالهای کوتاه انتقاد کنندگان آن، (مقتبس از انتقادهای دیوان عالی کشور و قضات و و کلاء ارجمند داد گستری و خود مجله) آنچه را که مردم میخواهند، بنویسیم؛ چه ظاهرأ تمام بحث و انتقادهای بخاطر

حفظ حقوق و مصالح آنها صورت میگیرد. از اینرو گفتار این ماه را در سه بخش بیان میکنیم:
اول- روس مطالب قسمتی از نظرات و بعضی طرحهای ده گانه آقای وزیر دادگستری و پاره‌ای از استدلالهای کوتاه انتقاد کنندگان آن.

دوم- آنچه مردم میخواهند (دوران بحث و استدلال حقوقی که غیر اهل فن از آن بهره‌ای نمیگیرند)

سوم - سخنی با آقای وزیر دادگستری

اول در روس مطالب قسمتی از نظرات و بعضی طرحهای ده گانه آقای وزیر- دادگستری و پاره‌ای از استدلالهای کوتاه انتقاد کنندگان آن:

خلاصه نظرات و طرحهای آقای وزیر دادگستری نکاتی از استدلال انتقاد کنندگان

درباره کارگزاری قضائی

* با ایجاد کارگزاری قضائی واسطه جدیدی بین اصحاب دعوی و مراجع قضائی بوجود میآید که نتیجه آن کندی کار دادگستری است.

* کار سردفتران با کارگزاران قضائی قابل مقایسه نیست، در موقع تنظیم اسناد، دو طرف امضاء کننده سند حضور دارند و متفقاً ناظر کار خود هستند که بای طرفی انجام پذیرد و لسی بسیاری از کارهای کارگزاران (از قبیل ابلاغ - مهر و موم ترکه - تأمین دلیل) ممکن است در غیاب طرف دیگر انجام پذیرد و احتمال تشییع حق شدیداً و قویاً وجود دارد و در مورد نتیجه کار دفاتر اسناد رسمی نیز سخن فراوان هست!

* دادگستری مرجع تظلمات مردم است و باید کوشش شود که تشریفات و هزینه آن روز برونز ساده تر و کمتر شود. پرداخت حق الزحمه به کارگزاران، تحمیل اضافی جدیدی است بر مراجعین بدادگستری. به علاوه تجویز دریافت وجهان «مشتری» موجب مأخوذ شدن کارگزار و تلاش برای جلب رضایت و خرسندی مراجعین حتی از طرق غیر قانونی نامرئی میگردد.

* با تأسیس کارگزاری قضائی، سرعت کار ایجاد میشود و بار دادگستری بمقدار زیادی سبکتر میشود.

* همینطوریکه در تهیه اسناد رسمی با ابتکارات خصوصی، ابتکارات شخصی و نفع شخصی را منظور داشتیم و اسناد رسمی با سرعت و نسبتاً با دقت تنظیم میشود، این مرحله از دعوی (تهیه مقدمات) راهم که محتاج رسیدگی نیست میتوانیم با کمال اطمینان واگذار کنیم به ابتکارات خصوصی به اشخاصی که نفع شخصی در این نوع کارها خواهند داشت.

* کارگزارها مکلفند وظائفی را که بموجب این قانون در صلاحیت آنها قرار داده شده در صورت مراجعه و درخواست اشخاص و پرداخت حق الزحمه بر طبق تعرفه انجام نمایند..... «ماده ۴۹۹ طرح کارگزاران قضائی»

خلاصه نظرات و طرح‌های آقای وزیر دادگستری

استدلال انتقادکنندگان

درباره کارگزاری قضائی

* محول کردن اموری از قبیل تحریر ترکه و تأمین دلیل (که بلحاظ اهمیت، اکنون بوسیله یا تحت نظر مستقیم قضات دادگستری انجام میشود و خالی از جنبه قضائی نیست) به «کارگزاران» که شأن قضائی ندارد صحیح و جایز نیست.

* از وظائف کارگزاران اقدام بتأمین دلیل حسب درخواست ذینفع و اجرای قرار تأمین خواسته و دستور فوری و تحریر ترکه و مهر و موم ترکه و برداشتن مهر و موم... «شق ۴ ماده ۱۹ طرح کارگزاران»

درباره دادرسی اختصاری جزائی

* تفویض اختیارات دادگاه بیازپرس سبب میشود که مرجع تعقیب جرم و تعیین مجازات بصورت واحدی درآید و این امر با قواعد بدیهی دادرسی، بی طرفی و اصل ۲۶ متمم قانون اساسی مبیانیت دارد.

* تقلیل مجازات بدلتخواه متهم و بسبب رضای او به رسیدگی اختصاری با فلسفه مجازات که مبتنی بر اصول تأمین حقوق جامعه و تشفی زیان دیده و تأدیب مجرم است منافات دارد.

* افزایش مجازات متهم بخاطر اینکه از مقررات آئین دادرسی استفاده کرده و رسیدگی مرجع بالاتر را درخواست نموده برخلاف انصاف و عدالت است. و علاوه بر بیانات آقای وزیر دادگستری در روز ۱۶/۱۲/۴۱ که مبنای طرح‌های مورد بحث میباشد منافات دارد زیرا ایشان در اوائل نطقشان عیناً گفته اند که:

«..... بعد از جنگ اوضاع عالم در جهت عکس منقلب شد یعنی قدرت دولتها در عالم کم شد مقام فرد بالاتر آمد بنا بر این، تحولی که در قانون گزاری بایستی بعد از جنگ روی بدهد در جهت توسعه قواعدی که»

* در طرح دادرسی اختصاری در مورد جرائمی که مجازات آن بیش از یکسال حبس نباشد و همچنین در مواردی که متهم بدادرسی اختصاری رضایت بدهد بیازپرس حق صدور حکم نیز داده شده است.

* رضایت و تسلیم متهم بدادوری اختصاری موجب قطعیت حکم تا دو ماه حبس و بیست هزار ریال غرامت و یکی از کیفیات مخففه مندرج در ماده ۵ اصلی و مکرر قانون مجازات عمومی است و بیازپرس در حدود اجازه قانونی مجازات را تخفیف خواهد داد. (ماده ۵ طرح)

* در مورد پژوهشخواهی متهم چنانچه دادگاه بزهکاری متهم را تأیید نمود، مجازات را بمیزان يك ثلث از مجازات تعیین شده در حکم پژوهشخواسته افزایش خواهد داد.

«تیسره ذیل ماده ۱۳ طرح»

استدلال انتقادکنندگان :

« مربوط به حفظ حقوق طرفین دعوی هست »
 « بایستی انجام بگیرد درحالیکه ما متأسفانه »
 « می بینیم که اصلاحاتی که در قانون آئین »
 « دادرسی مدنی شد درجهت حذف حقوق افراد »
 « برای عنوان کردن دلایل خودشان برای عنوان »
 « کردن مدافعات خودشان انجام گرفته.....»

* تکلیف تودیع هزینه دادرسی بمتهمی
 کسه رضایت برسدگی اختصاری ندارد و
 می خواهد بطریق عادی به اتهام او
 رسیدگی شود عملاً موضوع «رضایت» را از بین
 میبرد. عیوب این طرح هنگامی بیشتر آشکار
 میشود که در نظر بیاوریم که اکثریت کسانی که
 بعنوان متهم با شعب بازپرسی سر و کار پیدا
 میکنند مردمی تهیدست هستند.

خلاصه نظرات و طرحهای آقای وزیر دادگستری:

« در مواردیکه رسیدگی اختصاری منوط
 بر رضایت متهم است هر گاه متهم بخواهد که
 با اتهام او بطریق عادی رسیدگی شود
 بازپرس میتواند با موافقت دادستان قبول
 درخواست متهم را منوط بتودیع قسمتی از هزینه
 دادرسی که پیش از نصف حداکثر آن نخواهد
 بود بنماید و چنانچه متهم ظرف مدت پنج روز
 از تودیع هزینه دادرسی بر طبق دستور بازپرس
 خودداری نماید بازپرس مطابق این قانون
 اقدام به رسیدگی اختصاری خواهد نمود.
 (ماده ۱۵ طرح دادرسی اختصاری)

درباره خانه انصاف

* طرح خانه انصاف بدون توجه به
 واقعیات و اوضاع و احوال موجود در دهات
 تنظیم شده است.

تهیه کنندگان طرح ، اشکالات مربوط
 بدادرسی و انطباق دعوی با قانون و ابهام و
 پیچیدگی يك دعوی مدنی را از نظر دور داشته
 و شاید تصور کرده اند این اشکالات بیشتر
 مربوط بکم یا زیاد بودن خواسته دعوی است.
 درحالیکه این تصور درست نیست و مخصوصاً
 در دهات کشور که از نظر تنظیم اسناد و نوشتجات
 و قرارداد ها در يك موضوع جزئی، اشکال و
 ابهام فراوان است (کسانی که در دادگاه
 های بخش در نقاط دور افتاده با این قبیل دعاوی

* در دعوی مدنی صلاحیت خانه انصاف
 محدود بموارد زیر است:

۱- رسیدگی بدعوی مالی در صورتیکه
 خواسته دعوی بیش از مبلغ پنجاه هزار ریال نباشد.
 (ماده ۱۱ طرح خانه انصاف)

خلاصه نظرات و طرحهای آقای وزیر دادگستری،

استدلال انتقادکنندگان:

سروکار داشته‌اند بهتر باین واقعبت آگاهند . سپردن امر دادرسی به هیئتی که حتی داشتن سواد برای انسان لازم دانسته نشده صحیح نیست .

* پس از سالیان دراز که از اجرای قوانین مربوط به دعاوی تصرف عدوانی و رفع مزاحمت میگذرد هنوز هم برای بسیاری از دادرسان کار کرده و مجرب در عمل تولید اشکال مینماید بنا بر این چگونه میتوان حل و فصل چنین دعاوی را به متصدیان خانه انصاف محول داشت ؟!

* ۲- رسیدگی بدعوی تصرف عدوانی و رفع مزاحمت و ممانعت از حق در صورتیکه مالکیت مورد اختلاف نباشد .
(ماده ۱۱ طرح خانه انصاف)

درباره استخدام قضات

* با توجه بقانون اساسی و رعایت استقلال قوه قضائیه و با توجه باینکه وظائف شورای عالی قضائی اموری است که منحصرأ مربوط به دادگستری میباشد، انجام آنها را جز از قضات مطلع و بصیر و پاکدامن و مورد اعتماد جامعه قضات، نمیتوان انتظار داشت. اقتضای اراء قضای شورای عالی قضائی از قضاتی باشد که از طرف قوه قضائیه انتخاب شوند تا هیچگونه توهمی درباره دخالت افراد خارج در قوه قضائیه بمیان نیاید و موجب تزلزل بیشتر مصونیت و استقلال قضات نگردد

* در طرح مربوط با استخدام قضات بمنظور مشاوره و تبادل نظر در امور مهمه مربوط به دادگستری و انجام سایر وظایفی از قبیل تبدیل محل مأموریت و تغییر سمت قضات محاکم و بازپرسها و رسیدگی باعمال مناقی با حیثیات و شئون قضائی و معاکمه قضات، تشکیل شورای عالی قضائی تحت ریاست وزیر دادگستری و مرکب از رئیس و دادستان دیوان عالی کشور و دو نفر از رؤسای شعب یا مستشاران دیوان عالی کشور و دو نفر از اشخاص مورد اعتماد عمومی پیش بینی شده است .

درباره طرح تشکیل دادگاه جزا

* پیش بینی استفاده از وکلاء دادگستری برای تکمیل کادر قضائی دادگاه جزائی امر جدیدی نیست و در ماده سوم قانون محاکمات جزائی مصوب ۱۳۳۷ پیش بینی شده و عملاً نتیجه نبخشیده است چنانکه تا کنون شنیده نشده که از وکلاء دادگستری در این مورد استفاده شده

* - برای تکمیل اعضاء دادگاه جزاء رئیس کل دادگاه جزای هر محل میتواند از قضات دادگاه استان (در صورتیکه دادگاه جزا در مقر دادگاه استان باشد) یا شهرستان یا بخش و یا از وکلای پایه یک دادگستری و سردفتران درجه اول اسناد رسمی دعوت نماید ولی در هر حال

استدلال انتقاد کنندگان ،

خلاصه نظرات و طرحهای آقای وزیر دادگستری ،

باشد، علاوه ممکن است و کیلی که برای تکمیل کادر قضائی دادگاه جزدعوت میشود، تنها کسی باشد که متهم بخواهد برای دفاع از خود از او استفاده کند .

دخالت سر دفتران اسناد رسمی در محاکمات جزائی که با پیشرفت علوم جنائی و تحولی که در حقوق جزا بعمل آمده (تاجائیکه بصورت امر تخصصی تلقی میگردد) محل ایراد است .

* با آنکه مرحله پژوهشی نسبت به احکام مربوط به جنحه (در مواردیکه در دادگاه جزا رسیدگی میشود) حذف شده است، قابل پژوهش بودن چنین احکام در صورت صدور از دادگاه بخش، استثناء و ترجیح بیجائی است .

اکثریت هیئت حاکمه باید از قضات دادگستری باشد .

(ماده ۶ طرح تشکیل دادگاه جزا)

* در نقاطی که دادگاه بخش وظایف دادگاه جنحه را انجام میدهد حکم دادگاه بخش در حدود مقررات قانون قابل پژوهش در دادگاه جزا خواهد بود مگر آنکه حکم آمین صلح بجانشینی از طرف بازپرس و طبق قانون رسیدگی - اختصاری صادر شده باشد .

(ماده ۱۱۰ تشکیل دادگاه جزا)

دوم - مردم چه میخواهند ؟

مردم، قانون و دادگستری را برای آن میخواهند که زندگی روزانه آنها را تحت نظم و قاعده صحیح درآورد و آنان را از گزند تجاوز مستقیم و غیر مستقیم حفظ کند و هر وقت حقشان از طرف اقویاء و متجاوزان متنفذ و غارتگران بخطر میآفتد یا آزادی، جان، ناموس و مالشان پایمال میشود، در گرفتن حق و اعاده آن تأخیری ناروا نشود .

مردم میخواهند در مسائل مربوط به زندگی اجتماعی شان عدلیهای دخالت کند که مورد احترام و تمیز و شجاع باشد و هنگام نیاز، بتواند قدرت و جالاکی نشان دهد تا مستمگران متعددی جرأت ستمکاری نیابند و ستمدیدگان، پناهگاهی مطمئن داشته باشند .

مردم میخواهند احساس کنند که در آستانه بارگاه عدالت و دادگستری ، ترس و تزلزل سایه افکن نیست و قضات پاک و مطلع، میتوانند بی پروا فقط قانون را ملاک کار خود بدانند .

مردم میخواهند قوی و ضعیف و ثروتمند و تهیدست - در پیشگاه دستگاه عدالت یکسان و برابر باشند .

مردم **میخواهند** قبل از هر کار و پیش از هر طرح و اعمال نفوذ در قوه قضائیه، امکان بروز و ظهور نیابد.

مردم **میخواهند** عدلیه در هیچ زمان و بهیچ نحوی وسیله ارباب مخالفین قرار نگیرد.

مردم **میخواهند** عدلیه حافظ شئون و حقوق اساسی آنها باشد.

مردم قیل از آنکه به الفاظ و مواد قوانین توجه کنند درباره مجریان آن و نتایج حاصله و آثار عملی که درزندگانی روزانه آنها میگذارند، توجه دارند.

مردم در بند لفظ و حرف نیستند، به ادعای و نوآوری‌ها صرفاً بخاطر اینکه چیزهای تازه‌ای هستند دل نمی‌بندند و انتقاد و خرده‌گیری را به تنهایی دوی درد خود نمی‌شناسند. به مباحث تفصیلی و فنی درباره طرح و قانون تا زمانی که نتیجه آنرا یقیناً و عملاً مفید ندانند دل‌بستگی و علاقه‌ای نشان نمی‌دهند و چون وعده‌های فراوان شنیده و نتیجه نگرفته‌اند طبعاً مسائلی را که مطرح میشود ابتدا با تردید و دیر باوری، تلقی میکنند.

مردم میدانند، که هما‌نظور که در نخستین سخن، شماره اول همین مجله گفتیم: نظر هر چه صائب، طرح هر اندازه عالی و دستور هر قدر جامع باشد تا درست اجرا نشود، نتیجه خوب نمیدهد و چه بسا پیشنهادها و نظرات بر ارزشی که بوسیله دستگاه و افراد ضعیف و متزلزل اجرا شده و نتیجه غلط داده است. مردم **میخواهند** سروکارشان با قضاات مستقل و شریف و مطلع باشد و این ممکن نیست مگر آنکه قاضی، ضمن احساس مسئولیت و مؤاخذه شدید و ملامت وجدان از نوساناتها، و دخالت مقامات غیر قضائی، و توقعات اقویاء، و دامرونی سیاستمداران، دور و مضمون باشد.

سوم - سخننی با آقای وزیر دادگستری :

آقای وزیر دادگستری - شما از صاحب نظران دعوت کردید که نظرات و پیشنهادها و انتقادات خود را در مورد طرحهای تهیه شده اعلام دارند، مسلماً این دعوت بیجواب نمانده. و اهل فن، و کلاء، قضاات دادگستری و مستشاران دیوانعالی کشور، انتقادات و نظرات خودشان را برای شما فرستاده‌اند. ما نیز میتوانیم هما‌نظور که در شماره قبل راجع به طرح و کارگزاری قضائی، به تفصیل سخن گفتیم، درباره بقیه طرحها نیز از نظر قضائی و فنی بهمان روش، اظهار نظر کنیم ولی ترجیح دادیم در این شماره فقط نکته‌هایی از انتقادات راجع به بعضی از طرحها را یادآور شویم و مخصوصاً آنچه را مردم **میخواهند** با اطلاع شما برسانیم زیرا بهر حال، قوانین موجود یا طرحهای جدیدی که پس از طی تشریفات مقرر بصورت قانون درآید، برای مردم تهیه و تنظیم میشود و لازم است عقاید و نظرات و خواسته‌های آنها دانسته شود و بهمین جهت درسطور بالا آنچه را مردم **میخواهند** بیان داشتیم.

بدیهی است معتقدیم آنچه گفتیم، نظراً کثرت مطلق مردم بی‌غرض و علاقمند باین سرزمین و جامعه ایرانی است.

حال :

اگر واقعاً قصد اصلاح دادگستری را داریم،

اگر میدانیم باید عدلیه‌ای باشکوه داشته باشیم،

اگر میخواهیم دادگستری پناهگاه کامل ستمدیدگان باشد و بدون تزلزل راه را بر متنفذین و غارتگران و دغل بازان ببندد،

و اگر یقین داریم که بدون دستگاه عدالت قوی و بیطرف، هیچ اصلاح اجتماعی امکان نمی یابد و یا اقل سرانجام ندارد،

باید عملت الملل توجه کنیم و داروئی که آن علت را درمان میکند تجویز کنیم .

اکنون ببینیم آن درمان چیست ؟

آن دورداشتن دادگستری از هر گونه اعمال نفوذ است .

آن تأمین معاش قضات پاکدامن و شریف دادگستری است. (البته در حدود امکانات ولی باید نظر داشتن فوریت و اهمیت فوق العاده این کار)

آن رعایت کامل احترامشان و مقام قضاء است .

آن تأمین استقلال کامل رأی و فکر قاضی و دادگستری است.

آن پیش از اصلاح مقررات، توجه به انسانهای دادگستری یعنی اجراکنندگان قوانین و مقررات است.

آن خودداری از انجام اموری است که قضات و دادگستری را خفیف و تضعیف میکند.

آن خودداری از انجام هر امری است که تبعیت از غیر از قانون را در قاضی و دادگستری نفوذ دهد. (قاضی باید در کار قضائی تنها و متحصراً قانون را مطاع بداند) چه ایراد و انتقادهای بیغرضانه ای که بدادگستری میشود تنها به لحاظ نقص مقررات و قوانین نیست بلکه قسمت اعظم این انتقادات متوجه نحوه اجراء قوانین میباشد که ثمره موقعیت و شرایطی است که قضات و دستگاه قضائی را از جهت معنوی و مادی گرفتار و مقید ساخته و نتیجه ناهنجار آن عاید مراجعین ذیحق و بی دست و پا و مظلوم دادگستری میشود .

بنابراین، نخست باید چاره ای در این زمینه بیاندیشیم و سپس با فرصت لازم، به تنقیح قوانین و مقررات، آنهم در جهت حفظ حقوق مردم بپردازیم . زیرا که اگر بهترین قوانین و مقررات را بدست اشخاصی بسپاریم که نتوانند آنها را خوب و در راه مصالح جامعه اجرا کنند؛ یقین بدانید که نتیجه ای عاید نمیگردد ولی عکس آن دور از امکان نیست!

در پایان از آنجا که گرامی داشتن افکار مردم و احترام به عقیده هر فردی از افراد اجتماع را وظیفه روشنفکران میدانیم و خود گمان داریم که این وظیفه را خوب درک میکنیم و امیدواریم که خوب هم ایفا کنیم، و از طرفی هر چه میگوئیم و می نویسیم دور از شائبه است و علاوه ، اذعان داریم که ارزش هر نظری، هنگامی روشن میگردد که با حسن نیت، مورد نقد و انتقاد منطقی و بررسی لازم قرار گیرد، لذا برای درج نظرات اصولی و مستدل مخالفین و موافقین نوشته های بالا با کمال میل آماده ایم و در هر حال :

معتقدیم که هر قدمی در راه استقلال فکر و تقویت قوه قضائیه برداشته شود، قدمی در راه آسایش و تأمین آزادی و رفاه مردم و خدمتگزاری به خلق خواهد بود و این چنین قدمهایی است که پشتیبان و هواخواه فراوان دارد.

برای کشورمان، دستگاه قضائی منزه و مستقل و شجاعی آرزو میکنیم.

بهاءالدین طباطبائی (وکیل دادگستری)